

# نقش قوم گرایی در ناآرامی‌های اجتماعی

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۸

محمد حسین احمدی<sup>۱</sup>، مریم الوند<sup>۲</sup>

## چکیده

تعدد و تنوع اقوام گوناگون با فرهنگ‌های مختلف در ترکیب جمعیتی کشورها، حکومت‌ها را با چالش‌هایی روبه‌رو می‌کند. در کشور ما پاره فرهنگ‌های قومی در حاشیه کشور قرار دارند که این موقعیت جغرافیایی اقوام معادله امنیت ملی را پیچیده می‌کند و با توجه به این که این اقوام اغلب در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور (حاشیه مرزها)، تحت نفوذ احتمالی کشورهای همسایه و گرایش به آن‌ها هستند باعث تهدید و آسیب پذیری به حاکمیت ملی می‌شود و از نقطه نظر راهبرد امنیت ملی از اهمیت زیادی برخوردار است.

با این توصیف این مقاله به بررسی نقش قوم گرایی در توسعه بحران‌های اجتماعی می‌پردازد که از چهار فرض رابطه هم‌گرایی قومی، حمایت نهادی درون گروه و برون گروه بودن، احساس محرومیت قومی بر ناآرامی‌های اجتماعی بهره برداری شده است و هم چنین به این سؤال که "آیا بین قوم گرایی و ناآرامی‌های اجتماعی رابطه وجود دارد" پاسخ داده می‌شود.

نوع تحقیق مورد استفاده کاربردی و از نظر روش تحقیق به صورت توصیفی پیمایشی است. به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از بین ۹۸۹ نفر دانشجویان مصوب ساکن در استان‌های مرزی بر اساس فرمول کوکران تعداد ۱۶۵ نفر به صورت تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه انتخاب و از طریق پرسشنامه محقق ساخته مورد سنجش قرار گرفت، پایایی پرسشنامه ۰/۸۱ از آلفای کرونباخ به دست آمد.

## کلید واژه‌ها

قوم گرایی / ناآرامی اجتماعی / محرومیت / هم‌گرایی / درون و برون گروه / حمایت نهادی

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم نظامی

۲- کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی

## مقدمه و بیان مسئله

ایران جزو کشورهایی است که از اقوام گوناگون در ترکیب جمعیتی خود برخوردار است. هویت ملی، وحدت ملی، همگرایی و واگرایی بین اقوام از موضوع‌های مهمی هستند که حکومت‌ها در کشورهای پلی اتنیک یا کثیرالاقوام با آن مواجه‌اند. تعدد و تنوع قومی، چالش‌هایی را در قالب تهدید یا فرصت برای حکومت مرکزی به ارمغان می‌آورد که متناسب با مبانی تئوریک و نظری با ایدئولوژی غالب با آن مواجه می‌شود.

موقعیت سیاسی کم نظیر ایران در این است که پاره فرهنگ‌های قومی آن، در حاشیه کشور قرار دارند و با اقوام متناظر خود در سیستم‌های پیرامونی مرزها، مجاورت دارند. به ویژه آنکه بین برخی از آن اقوام با کشورهای متبوع شان چالش‌هایی وجود دارد. این موضوع بالاخص از حیث تحولات اخیر در گفتمان‌های بین‌المللی مبنی بر انتقال از تأکید بر حق حاکمیت دولت‌ها در دوره پس از جنگ جهانی - به حقوق بشر و از جمله حقوق قومیت‌ها در سال‌های اخیر برای ایران به لحاظ راهبرد امنیت ملی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. موقعیت جغرافیایی اقوام، معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است. اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته‌اند که آن در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد. متأسفانه تمایل برخی از این حوزه‌ها به خارج از کشور است که باعث تهدید و آسیب‌پذیری حاکمیت می‌باشد.

احساسات فرهنگی، قومی، زبانی و محلی به دنبال نیل به موقعیت‌های مستقل فرهنگی زنده شده و فراگیری چنین روندی، تحلیل‌گران مهم بین‌المللی را متوجه این مطلب ساخته است که به احتمال زیاد، درگیری‌ها و تنش‌های آینده را به مسائل فرهنگی، قومی، زبانی و محلی شکل خواهد داد.

مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا قوم‌گرایی در توسعه بحران‌های اجتماعی به‌ویژه ناآرامی‌های اجتماعی نقش دارد؛ علاوه بر این هم‌گرایی قومی، حمایت نهادی، درون و برون گروه بودن و احساس محرومیت قومی تا چه اندازه در ناآرامی‌های اجتماعی نقش دارد و این نقش یا ارتباط به چه میزان است؟

## اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق شناسایی نقش قوم‌گرایی در توسعه بحران‌های اجتماعی به ویژه ناآرامی‌های اجتماعی است و هدف‌های فرعی آن عبارت‌اند از:

۱. تبیین نقش هم‌گرایی در ناآرامی‌های اجتماعی؛
۲. تبیین نقش حمایت نهادی در ناآرامی‌های اجتماعی؛
۳. تبیین نقش درون و برون گروه بودن در ناآرامی‌های اجتماعی؛
۴. تبیین نقش احساس محرومیت قومی بر ناآرامی‌های اجتماعی.

## چارچوب نظری تحقیق

ناآرامی‌ها و منازعات و درگیری‌های مختلفی ناشی از قوم‌گرایی در سطح جهان وجود داشته و دارند که به نحوی اهمیت اساسی این پدیده نو ظهور را برای ما نمایان می‌کند. از جمله این منازعات می‌توان به جدایی چک و اسلواکی، شورش آبخازی، نسل‌کشی در رواندا، کشمکش‌ها و قوم‌کشی‌ها در کوزوو، تنش‌های جدایی خواهانه باسک اسپانیا، مبارزات طولانی ایرلندی‌ها برای استقلال از بریتانیا، مطالبات ساکنان جزیره کرس فرانسه، مناقشه دیرینه ترک‌ها و یونانی‌ها در قبرس، عملیات بیره‌های تامیل در سریلانکا، خیزش‌های مردم تیمور شرقی در اندونزی، نهضت جدایی طلبی شمال ایتالیا، خواسته‌های قومی در کانتون‌های سوئیس، تحکات استقلال خواهانه مردم مسلمان فیلیپین، شورش کردها در کردستان ایران، عراق و ترکیه، قیام مسلمانان در استان سین کیانگ چین و تمایل تبتی‌ها به جدایی از چین و درگیری‌های فرقه ای و قومی در هند و پاکستان، تلاش مردم کاتانگا به منظور جدایی از کنگو، نسل‌کشی مسلمانان به دست صرب‌ها، اختلافات کروات‌ها، اسلوون‌ها و صرب‌ها در بالکان، زد و خورد‌های فرقه ای در لبنان، واگرایی والن‌ها و فلاندرها در بلژیک، منازعه بیافرا در نیجریه و تشنجات گسترده قبیله ای و نژادی در سودان و جنوب آفریقا و نمونه‌های فراوان دیگر که همگی ریشه و منشأ نژادی، قومی و ناسیونالیستی داشته‌اند و روند فزاینده منازعات یاد شده به گونه ای است که

معادلات سیاسی و چهار چوب‌های ژئوپولیتیک را در سراسر جهان به چالش کشیده است (حق پناه، ۱۳۸۱: ۷).

در دوره جنگ سرد، قوم‌گرایی به عنوان یکی از منابع خشونت در چارچوب انواع کشمکش‌های داخلی و یا الگوهای بی‌ثباتی سیاسی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گرفت. «کومار روپسینکه» در بررسی انواع تعارضات داخلی، تعارضات هویتی را فراگیرترین و خشن‌ترین انواع نزاع دانسته و معتقد است هر کجا مولفه‌های قومی، مذهبی، عشیره‌ای یا اختلافات زبانی حاکم است، این نوع از تعارضات هویتی زمینه بیشتری برای ظهور دارند و آمیزه‌ای از هویت و امنیت جویی را مورد هدف قرار می‌دهند. در این حوزه، ستیز اصلی اغلب به توزیع تمرکززدایی قدرت مربوط می‌شود. هویت جویی نیز به مثابه واکنش‌های تدافعی معطوف به احتراز از نابودی مادی و یا معنوی است که حاکی از به خطر افتادن هسته معنایی زندگی یک گروه اجتماعی می‌باشد. در این چارچوب، تحقیقات گسترده‌ای در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ صورت گرفت که قوم‌گرایی در اکثر آنها به عنوان یکی از اشکال و یا منابع خشونت و بی‌ثباتی بررسی شده است. در سال ۱۹۶۹ یک گروه تحقیقاتی خبره، ۱۶۰ مناقشه را در یک دوره زمانی ۱۵ ساله از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۹ بررسی کردند. آنها پس از استخراج نتایج به سه دسته بندی کلی رسیدند:

اول؛ مناقشات ناسیونالیستی شامل مناقشه‌های قومی، نژادی و مذهبی و گروه‌هایی که برای زبان مشترک، خود را یک قوم می‌پنداشتند.

دوم؛ درگیری‌های طبقاتی و صنفی که مسائل مربوط به اختلافات اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایی و دولت را دربرمی‌گرفت و یا آشوب‌های طبقات پایین علیه دولت را شامل می‌شد.

سوم؛ سایر منازعات که با دو دسته فوق متفاوت بودند. مثل توطئه و کودتای دو گروه نظامی و سیاسی علیه همدیگر.

نتایج تحقیقات حاصل از تحقیقات این گروه، شگفت‌آور بود. هفتاد درصد از مناقشات مورد بررسی، ناشی از تعصبات ناسیونالیستی و قومی بودند. پانزده سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۴، همان منازعات مورد ارزیابی دوباره قرار گرفت و معلوم شد که ۳۰ مورد از

آنها حداقل یکبار به درگیری‌های شدید داخلی منتهی شده است. «دیویدساندرز» نیز در بحث پیرامون ویژگی‌های ساختاری نظام‌های سیاسی، منابع بی‌ثبات کننده ساختاری را در سه عامل بررسی می‌کند: فشار حکومت (سرکوب و خشونت حکومتی)، نابرابری و شکاف‌های ساختاری.

وی مهم‌ترین شکاف‌های ساختاری را شکاف‌های اجتماعی مربوط به گروه‌های مذهبی و گروه‌های قومی - زبانی دانسته است. ساندرز در جمع بندی نتایج مطالعات و رویکردهای مختلف تاکید می‌کند که نتایج و واقعیت‌ها، گویای اهمیت آشکار شکاف‌های مذهبی - قومی در پیدایش کشمکش‌های خشونت‌آمیز می‌باشد و شکاف ریشه دار قومی و زبانی به طور اجتناب ناپذیری مشکلات پیچیده ای را برای یکپارچگی سیاسی و تامین نظم سیاسی و ثبات پایدار به وجود می‌آورد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۲، ۶۶۵).

هر چند ۶۰ درصد از جمعیت ایران را فارسی زبانان تشکیل می‌دهند ولیکن وجود شش قومیت عمده در درون این واحد ملی و تاثیرات شگرف آنها بر سر تحولات تاریخی و بروز بعضی از حوادث خشونت بار، واقعیتی است که نباید نادیده انگاشته شود. براین اساس، جهت پیش بینی وضعیت امنیتی کشور در سال‌های آتی و طراحی یک الگوی امنیتی مناسب، توجه به این تجربه تاریخی کاملاً ضروری است. (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۶)

در یک تقسیم بندی کلی، عواملی که باعث ناآرامی‌های قومی در جوامع می‌گردد را می‌توان در پنج عامل اجتماعی، فرهنگی، روانی، سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار داد.

**عامل اجتماعی:** ظهور جنبش‌های اعتراضی در میان گروه‌های قومی و نژادی اغلب معلول محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی شناخته شده است. وجود ایدئولوژی‌های محرک - غالباً چپ‌گرا- نیز می‌تواند توسط رهبران توده‌ای، موجبات پیدایش جنبش‌های اعتراضی را در میان اقوام مختلف پدیدآورد (مقصودی، ۱۳۷۸: ۱۶۸).

موارد فوق هنگامی می‌تواند زمینه ساز بروز جنبش شوند که تاثیرات روانی خاصی بر اعضای گروه‌ها بر جا گذارند. هر گاه محرومیت عینی افراد در آنان به آگاهی از

احساس محرومیت‌های اجتماعی بینجامد، آنگاه می‌توان بروز نارضایتی‌ها را به‌صورت فراگیر پیش بینی کرد. نقش حوادث شتاب‌زا، همچون تغییرات وسیع و ناگهانی در ساخت نابرابر اجتماعی یا کنار گذاشتن یکباره ارزش‌ها و هنجارهای معمول را نیز در این میان نباید فراموش کرد.

**عامل فرهنگی:** اختلال در روند فرهنگ‌پذیری و مقاومت در برابر یکپارچه‌سازی فرهنگی که غالباً به دنبال تلاش‌های قدرت مرکزی، جهت یکسان‌سازی فرهنگی در یک اجتماع و در میان اقوام مختلف صورت می‌پذیرد و منجر به پیدایش «ارزش‌مازاد در مبادلات فرهنگی» می‌گردد از عوامل اصلی بروز تنش و بسیج قومی به شمار می‌آیند (کاظمی، ۱۳۷۶: ۷۵).

**عامل روان‌شناختی:** ویژگی‌های روحی و روانی «توده‌های قومی» مهم‌ترین عنصر بررسی‌های روان‌شناختی اجتماعی و ویژگی‌های روحی و روانی نخبگان قوم‌ها، مهم‌ترین عنصر بررسی‌های روان‌شناسی فردی را تشکیل می‌دهد. «ناکامی» که می‌توان آن را معلول عواملی همچون عدم ارضای نیازهای اساسی روانی، سرخوردگی روانی و احساس محرومیت نسبی دانست و «پیش‌داوری» که معلول وجود خصومت دیرینه و تصورات قالبی نشأت گرفته از سنت‌ها، آداب و رسوم و عقاید مرسوم در جامعه است و هم‌چنین ناهماهنگی یا ناهمسازی شناختی، تصورات معکوس، تسلیح و برون‌فکری نیز نقشی اساسی در تشدید احساسات قوم‌گرایانه ایفا می‌کنند (برکوتیز ترجمه فرجاد و محمدی اصل، ۱۳۵۸: ۴۴۸-۴۴۵).

**عامل سیاسی:** آنچه مسلم است، تلاش دولت مرکزی جهت یکپارچه‌سازی فرهنگی و گسترش تفکر ناسیونالیسم در میان اقوام مختلف یک کشور از سویی و فقدان کانال‌های رسمی قدرت جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز خواست‌های قوم‌گرایانه، عدم استقرار نظام شهروندی و جامعه مدنی یا نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی، کثرت‌گرایی و فدرالیسم از سوی دیگر، همگی از جمله عوامل موثر در تشدید احساسات قومی و بروز خشونت‌های استقلال‌طلبانه به شمار می‌آیند.

افول قدرت سیاسی هیئت حاکمه بر اثر ظهور عوامل مختلف یا در مرحله گذار قرا گرفتن یک جامعه در حال توسعه نیز می‌تواند منجر به بروز چنین خشونت‌هایی شود.

در این میان، نقش قدرت‌های خارجی به خصوص کشورهای استعمارگر که غالباً برای حفظ سلطه خود سعی در ایجاد بحران‌های داخلی در سایه کشورها دارند نباید از یاد برد (مقصودی، ۱۳۸۲: ۳۹)...

**عامل اقتصادی:** فشار اقتصادی ناشی از توازن در توسعه اقتصادی مناطق مختلف و عدم تناسب تسهیلات و امکانات ارائه شده از سوی دولت مرکزی در میان اقوام و قومیت‌های مختلف، از عناصر اصلی به چالش کشیده شدن روابط این گروه‌ها و مرکز می‌باشد که استقرار روابط مرکز پیرامون یا کهتر - مهتری را به معرض نمایش می‌گذارد (همان منبع: ۴۰).

برخی از نظریه‌های ستیزه قومی مبتنی بر منافع اقتصادی، درگیری‌های قومی را پدیده‌ای ساختگی می‌دانند که باعث انحراف مبارزه طبقاتی می‌گردد. بر این اساس اعتقاد به منافع متمایز قومی بخشی از ایدئولوژی طرفداران منافع طبقاتی است که به وسیله آن ذهن طبقه کارگر را از توجه به منافع خود دور می‌سازند (گودرزی، ۱۳۸۴).

جنبش‌های قومی به دنبال بحران‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی یک ملت صورت می‌گیرد و ممکن است به یکی از چهار شکل زیر امنیت را تهدید نماید. نهضت‌های خود مختار، نهضت‌های جدایی طلب، طغیان‌های محلی و سیاست‌های انتخاباتی قومی. عوامل سهیم در مرحله بالقوه جنبش‌های دسته جمعی شامل. عنصر عینی مانند: نابرابری بین اقوام از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و مشارکت سیاسی و متغیرهای ذهنی مانند امیال جمعی قوم برای احیای هویت گروهی و نمادهای فرهنگی و تمایزهای منزلتی و ایدئولوژیکی بین اقوام می‌گردند. این عوامل، خواسته‌های قابل مذاکره و غیر قابل مذاکره را شدت می‌بخشند که خود با افزایش نارضایتی قومی دسته جمعی شرایطی را فراهم می‌کنند که منجر به شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی قومی می‌شود. ناسیونالیسم قومی ناشی از آرزوی نوزایش هویت جمعی، وحدت و خود مختاری و تقاضای مشارکت مردمی و اعتبار فرهنگی از قبیل رجوع به ریشه‌های نمادین، افسانه‌های گذشته و خاطرات تاریخی است، تفاوت‌های ایدئولوژی و سیاسی گروه‌های قومی پیرامونی و مرکزی و قشر بندی منزلتی میان اقوام متعدد و احساس عمومی مبنی بر استثمار و ستم برخاسته از آن، می‌تواند ناسیونالیسم قومی را تسریع بخشد.

دستاورد‌های مورد انتظار گروه قومی، عامل دیگری است که می‌تواند به استحاله تجمعات بالقوه به جنبش‌های واقعی کمک کند. حدود چنین خواسته‌هایی را موازنه قدرت میان حکومت مرکزی و سازمان سیاسی قومی تعیین می‌کند. به طور کلی دو نوع اول از جنبش‌های قومی در جاهایی اتفاق می‌افتد که هویت قومی شدیدتر از تمایز طبقاتی است در حالی که دو مورد بعدی در فقدان قومیت و جاهایی که قشر بندی اجتماعی به وضوح مشخص شده، صورت می‌گیرند. ( امیر احمدی، ۱۳۷۷: ۲۱۰ و ۲۱۸)

قوم گرایی و امنیت در دو سطح ملی و فراملی به هم مربوط می‌شوند و این ارتباط، تحلیل گران سیاسی و اجتماعی را با توجه به گسست‌های قومی، بیش از پیش به تکاپو واداشته است به طوری که بازخوانی تاریخ و آسیب شناسی امنیت داخلی ایران از این نظرگاه می‌تواند بستر خوبی برای تقویت ثبات در داخل و خارج فراهم آورد. از آنجاکه قوم گرایی یکی از شاخص‌های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای نیل به ثبات ودوری از خشونت به حساب می‌آید، امنیت کشورها در دهه آینده، بدون توجه به این بعد رقم نخواهد خورد. در جمهوری اسلامی ایران نیز به نظر می‌رسد که این موضوع با توجه به تعدد گروه‌های قومی و پیشینه تاریخی شان خواه و ناخواه مطرح خواهد شد. ( افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۵ و ۵۶ )

**کهن‌گرایی و ابزارگرایی:** کهن‌گرایی بر این امر تأکید دارد که قوم‌گرایی و ناسیونالیسم، پدیده‌هایی کهن هستند، ابزارگرایان معتقدند که این پدیده‌ها محصول دوران مدرن و به‌ویژه چند قرن اخیراند.

از مفهوم کهن‌گرایی، بیشتر برای توصیف ریشه‌ها و استحکام وابستگی‌های قومی استفاده شده است. طرفداران این مکتب دو ادعای اساسی دارند: اول این که ملت‌ها و ناسیونالیسم، پدیده‌هایی کهن هستند و دوم اینکه طبیعی هستند. اصطلاح کهن‌گرایی را نخستین بار ادوارد شیلر<sup>۱</sup> به کار برد و کلیفورد گیرنز در دهه ۱۹۵۰ میلادی آن را رواج داد.

1- Edvard Shiler



ادوارد شیلر که برای اولین بار واژه کهن‌گرایی را در رابطه با روابط خویشاوندی به کار برد تأکید می‌کند: «جامعه مدرن از طریق وابستگی‌های گسترده مشخص، تعهدات اخلاقی در قالب‌های دقیق، غرور حرفه‌ای و اخلاقانه، جاه‌طلبی فردی، عواطف «کهن» و نوعی احساس مدنی که میزان آن در بسیاری از افراد کم، در برخی زیاد و در اغلب افراد متوسط است. به هم پیوند می‌خورد». (شیلر، ۱۹۷۵: ۱۳۱)

**بسیج قومی:** در مورد بسیج قومی، رهیافت‌های گوناگون وجود دارد که عبارت‌اند از: تأکید بر ساختارهای اجتماعی و توسعه اقتصادی به عنوان متغیرهای اصلی و کثرت‌گرایی فرهنگی که به عنوان یک متغیر اصلی مطرح شده است. اغلب نظریه‌های بسیج قومی در مقوله رهیافت نوگرایانه جای می‌گیرد. کهن‌گرایی نیز بیان خاص خود را در این مورد ارائه می‌دهد. استدلال اساسی این ره‌یافت این است که هویت و احساسات کهن در یک گروه، باعث بسیج قومی می‌شود. همچنان که جوزف روتشیلد<sup>۱</sup> می‌گوید «تبین تداوم و حتی احیای قومیت در عصر جدید از طریق تأکید بر مفهوم کهن‌گرایانه احساس تعلق به گروه‌های جسمی روانی - فرهنگی کافی نیست». نکته مهم این است که باید میان تفاوت‌های قومی در یک جامعه، نظیر تفاوت در زبان، فرهنگ، مذهب، فیزیولوژی یا فرهنگ با بسیج قومی تمایز قائل شویم. تفاوت‌های قومی پایگاه بالقوه بسیج قومی است. اما نفس وجود تفاوت‌های قومی تضمین‌کننده بسیج قومی نیست. (ناگل - الزاک - ۱۹۸۲ - ۱۳۰)

دیوید مایر در یک نظریه ترکیبی برای تبیین و علت‌یابی تعصب قومی به چهار دسته از عوامل یا منابع تعصب اشاره می‌کند که عبارت‌اند از:

**نابرابری‌های اجتماعی:** مایر این اصل را مطرح می‌کند که نابرابری در منزلت به وجود آورنده تعصب است. تعصب و تبعیض یکدیگر را تقویت می‌کنند. تبعیض تعصب را تولید می‌کند و تعصب تبعیض را مشروعیت می‌بخشد و موجب احساس تنفر از گروه حاکم و پرخاشگری علیه آن می‌شود.

1- Jozef Rotshilid

**درون گروه و برون گروه:** نتایج و تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که وفاداری به گروه خودی می‌تواند سبب تنزل ارزش گروه‌های دیگر در نزد اعضای گروه خودی شود و هر چه احساس هویت و معاشرت‌های درون گروهی تقویت شود، پیش داوری افراد نسبت به برون گروه‌ها نیز افزایش می‌یابد. در این معنا، غرور و افتخارات قومی می‌تواند خود، سبب تقویت تعصبات قومی شود.

بروز درگیری‌های قومی و گروهی ناشی از هماهنگی قومی و گروهی است. بدین معنا که عواملی مثل: زبان، مذهب اجتماعی قومی، عادات و رسوم اخلاقی خاص قومی در زمره سرچشمه‌های اصلی هماهنگی قومی هستند که هزینه‌های فردی مراوده در درون قوم را تحت تأثیر قرار داده و انتظارات را با ثبات می‌کنند و بر پیشرفت و حفظ هوشیاری و منافع گروهی و قومی و به تبع آن شناسایی گروهی تأثیر می‌گذارند و گروه قومی را انسجام می‌بخشند. در جوامع کثیر القوم هماهنگی‌های درونی هر یک از اقوام هر چند در ظاهر بی‌ضرر و کاملاً به نفع گروه آنان است. اما همین هماهنگی قومی و گروهی مبنایی برای ایجادکنش سیاسی یک قوم علیه قوم دیگر فراهم می‌آورد. بر اساس این تئوری، سه عامل کالای معنوی، شامل توزیع قدرت و پست‌های دولتی، کالاهای توزیعی نظیر منافع مادی، درآمد و رفاه و کنش متقابل بین این دو مورد از جمله عواملی هستند که هماهنگی گروهی و قومی را تقویت نموده و ماهیت درگیری‌های قومی را تشکیل می‌دهند. به عقیده «واکر کافر»<sup>۱</sup> این عقاید قوم‌گرایی است که باعث می‌شوند رفتارها توأم با نهضت‌های ناسیونالیستی باشند. (صالحی، ۱۳۸۵: ۹۹)

در پاسخ به چگونگی رخداد ستیزه قومی در پی توزیع نابرابر فرصت‌ها یکی از نظریه‌های مطرح این است که گروه‌های کسب‌کننده موقعیت ممتاز در رقابت بر سر پاداش‌های جدید، می‌کوشند مرز گروه‌های قومی را تقویت کنند تا بدین وسیله رویارویی گروه‌های قومی را تشدید نمایند. از سویی هر چه نسبت پیوندهای نزدیک‌کننده اجتماعی - اقتصادی کمتر باشد، این گونه رویارویی‌ها ساده‌تر انجام می‌گیرد

1- Vaker Kafer

واز این طریق جنبش‌های جدایی طلب و ناسیونالیسم قومی افزایش می‌یابد (احمدی، ۱۳۷۸).

۱۶۹

**حمایت‌های نهادی:** تفکیک و جداسازی یکی از روش‌هایی است که بدان وسیله، نهادهای اجتماعی (مدارس، حکومت و وسایل ارتباط جمعی) سبب تقویت تعصبات می‌شوند. رهبران سیاسی نیز ممکن است از طریق انعکاس و تقویت گرایش‌های غالب در جامعه، به تعصبات خود دامن بزنند. مدارس، رادیو و تلویزیون نیز از جمله نهادهایی هستند که متضمن و قوام‌گرایش‌های فرهنگی غالب در جامعه هستند و این خود باعث تقویت تعصبات در جامعه می‌گردد. (صالحی، ۱۳۸۵: ۹۰)

استاوین<sup>۱</sup> بر این باور است که دعاوی و تقاضاهای قومی به طور معمول قبل از آنکه اعضاء و نقرات قوم از تمام آن آگاهی داشته باشند، به وسیله نخبگان پرورانده شده و تحت قاعده در آمده است. توده‌های قومی تنها مجازند که قواعد رهبران را بپذیرند. در واقع ممکن است شکاف میان دسته‌های گوناگون را نه تنها با توجه به مسائل راهبردی و تاکتیک آنها، بلکه با اهداف ستیزه‌هایشان برجسته سازند. (مقصودی، ۱۳۸۰ ص ۲۱۷)

گوستاولوبون<sup>۲</sup> اندیشمند و متفکر قرن ۱۹ فرانسه در کتاب «روانشناسی توده‌ها» چنین می‌نویسد: «اگر قصد بر آن باشد که توده ای، در دم تحت تأثیر قرار گیرد، و به راه مورد نظر کشانده شود، تا کار خاصی را انجام دهد، مثلاً کاخی را تاراج کند یا جان خود را بر سر دفاع از یک سنگر یا بارو بگذارد، باید در آن به گونه ای سریع اثر گذارد. موفق‌ترین راه تأثیر، ارائه دادن نمونه است به شرط آنکه توده در گذشته توسط عواملی آمادگی یافته باشد. شرط لازم دیگر آن است که شخصی که قصد جذب کردن توده‌ها را دارد، صفتی را داشته باشد و...»

گاهی چنین است که رهبران، می‌خواهند نظریه‌ها یا مفاهیم عقیدتی را به طور تدریجی به روان توده تلقین کنند. به منظور این کار از شیوه‌های مختلف استفاده می‌کنند و عموماً سه روش دارند: اول روش ادعا، دوم روش تکرار و سوم روش انتقال

1- Estavin  
2-Gostov Lobon  
3- Napelion

یا سرایت است. این شیوه‌ها به کندی تأثیر گذارند، اما موفقیت حاصل از آنها دوام زیادی دارد، یک ادعای ساده بدون ذکر کردن هر گونه برهان و دلیل، به منظور القاء نظری به روان توده، وسیله مطمئنی است. ادعا، هر قدر قاطع تر و با سند و دلیل کمتر همراه باشد به همان اندازه بیشتر احترام آمیخته به ترس، ایجاد می کند.

اثر واقعی ادعا هنگامی ظاهر می شود که خود ادعا به طور مداوم و حتی المقدور با همان الفاظ اولیه تکرار شود. ناپلئون<sup>۳</sup> گفت؛ از سخن فقط یک شکل جدی وجود دارد و آن تکرار است. هر چیز که تکرار شود، چنان در ذهن‌ها استوار می گردد که بالاخره به مثابه حقیقی اثبات شده مورد قبول واقع می گردد.

نظریه‌ها، احساس‌ها، تحریکات و آموزش‌های عقیدتی مثل میکروب به توده‌ها سرایت می کنند. برای سرایت کردن، لازم نیست افراد در آن واحد در یک مکان باشند. سرایت می تواند از راه دور توسط تأثیر برخی از وقایع که همه روان‌ها را در یک جهت هدایت می کنند و آنها را از علائم خاص توده برخوردار می سازند نیز، صورت گیرد. این امر به ویژه به هنگامی است که روان‌ها از پیش، از طریق عوامل غیر مستقیم آماده شده باشند ( مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱۶ و ۲۱۷).

“رقابت بر سر منابع”: این نظریه از سوی جامعه شناسان و محققان علوم سیاسی نظیر گلizzer<sup>۱</sup>، مونیهیان<sup>۲</sup>، و نیز خانم سوران اولزاک<sup>۳</sup> طرح شده است. بر این اساس، ادغام سیاسی گروه‌های قومی در داخل یک دولت ملت چارچوبی فراهم می‌سازد که در آن رقابت بر سر منابع و به ویژه مشاغل دولتی انگیزه عمده کشمکش میان اقوام را به وجود آورد (کافلان، ۱۹۹۵).

**نابرابری:** این نظریه اساساً از سوی مایکل هشتر<sup>۴</sup> مطرح شده و تأکید اساسی آن بر این است که همبستگی و بسیج قومی در داخل یک سرزمین در نتیجه تشدید نابرابری‌های ناحیه ای میان یک مرکز فرهنگی متمایز و پیرامونان تقویت می‌شود. مشکل

1. Glizzer  
2. Mounhiyan  
4. Owlzake , S  
5. Hechter

اصلی این نظریه این است که فرض می‌کند بسیج قومی و قوم‌گرایی در مناطقی ظهور می‌کند که از نظر فرهنگی و اقتصادی بیش از هر منطقه‌ای محروم باشند (هشتر، ۱۹۹۸).

**کثرت‌گرایی فرهنگی:** نظریه کثرت‌گرایی فرهنگی، دولت را ابزار سلطه یک گروه می‌داند و این احتمال را نمی‌دهد که در این جامعه دولت می‌تواند متشکل از گروه‌های قومی خودمختار باشد. پیشگامان این نظریه فورینوال<sup>۱</sup> و اسمیت می‌باشند (حق‌گویی، ۱۳۸۴: ۶۲).

اغلب نظریه‌های موجود پیرامون بسیج قومی بر نقش نیروهای داخلی بر ظهور قومیت و ناسیونالیسم قومی تأکید دارند و نقش عامل بین‌المللی را در این رابطه نادیده و کم‌اهمیت می‌شمارند. ادوارد آزار<sup>۲</sup> و استفن رایان<sup>۳</sup> بر جنبه بین‌المللی قوم‌گرایی و کشمکش قومی تأکید دارند (همان منبع: ۶۴).

**هم‌گرایی قومی:** استنلی بن<sup>۴</sup> از قول ارنست رنان<sup>۵</sup> می‌گوید: «آنچه سبب تشکیل ملت می‌شود، در مرتبه نخست، دانستن تاریخ مشترک است، به ویژه تاریخ رنج‌ها و دردها، یعنی گنجینه‌ای مشترک از خاطره‌هایی که مایه هم‌دلی و افتخار باشند. ولی او در عین حال عقیده داشت که مهم است پاره‌ای از چیزها فراموش شوند. زیرا تا زخم‌های دیرین التیام نیابند، حس سهیم بودن در یک سنت مشترک قهرمانی پدید نخواهد آمد. بنابراین دومین شرط وجود ملیت، خواست و اراده با هم زیستن و زنده نگاه داشتن میراث مشترک است» (استنلی بن ترجمه عزت‌اله فولادوند، ۱۳۷۰: ۸-۹).

به این ترتیب، ملت تنها به زبان، نژاد، مذهب، اشتراک منافع، مقتضیات جغرافیایی و بالاخره آمال و آرزوهای مشترک شناخته نمی‌شود و هیچ‌یک از این عناصر، به تنهایی نمی‌توانند مبین حضور یک ملت باشند. در واقع آنچه که هر نوع مانعی را از میان برداشته و از چند قوم مختلف، تشکیل یک ملت می‌دهد، وابستگی

1. Foorinval.  
2. Azar E  
3. Rayan ,E  
4. Ben ,S  
5. Renan , E

روحی عاطفی و ظرفیت پذیرش معنوی یکدیگر است) بیرو ترجمه ساروخانی:  
۱۳۷۰: ۲۳۷).

## عوامل مؤثر در هم‌گرایی اقوام

**عامل نژاد:** در گذشته، این عامل در بین اقوام بدوی، و همچنین در قرون وسطی و شاید تا همین اواخر به اعتقاد فیلسوفان و نظریه پردازان اجتماعی جزء عوامل اصلی همبستگی و هویت ملی به شمار می‌آمد. ولی در حال حاضر با گسترش ارتباطات و اختلاط زیادی که در بین ملل جهان صورت پذیرفته، اندکی اهمیت خود را از دست داده است.

**زبان و فرهنگ:** اصولاً زبان هر ملتی از ارکان اصلی فرهنگ و بیان‌کننده فرهنگ هر ملت محسوب می‌گردد. فرهنگ غالباً با تکیه بر زبان، شخصیت و هویت فرهنگی یک ملت را تشکیل می‌دهد. اگر مردم فرانسه «فرانسوی» خوانده می‌شوند، نه تنها به سبب زبان، بلکه به علت فرهنگ که عامل اساسی تشکیل‌دهنده هویت ملی آنها است فرانسوی خوانده می‌شوند.

**آداب و رسوم و سنن اجتماعی:** سنن اجتماعی و رسوم هر ملت، علاوه بر انعکاس و فرآیند کارکرد هر ملت، عمده‌ترین عنصر تشخیص‌دهنده هویت ملی ملت هر سرزمین است.

**دین و مذهب:** در بسیاری از کشورها، عامل دین و مذهب علاوه بر تشخیص هویت فرهنگی و دینی آن کشور، جزء عوامل شناسایی آن کشور در سطح دنیا و گاه به عنوان عامل مهم همبستگی ملی به شمار می‌آید. لیکن به این نکته باید اشاره کرد با توجه به اینکه بسیاری از ادیان مختص مردم یک کشور نبوده، از این رو کارشناسان علوم اجتماعی اکنون دین و مذهب را یک عامل معنوی شمرده و گاه در برابر تنش دینی و مذهبی از عوامل اصلی هویت ملی بهره می‌گیرند که بر اهمیت‌ترین عامل همبستگی مردم هر جامعه به شمار می‌آید.

**سرزمین مشترک:** اجتماع افراد در یک سرزمین مشترک عامل اصلی همبستگی یک ملت است. مردمی که در یک سرزمین مشترک زندگی می‌کنند خواه و ناخواه با یکدیگر همبستگی زبانی و فرهنگی پیدا می‌کنند. سخن‌هانس کوهن، جامعه‌شناس و سیاست‌مدار ملی‌گرای آمریکایی در این باره جالب توجه است. ایشان می‌گوید: «سرحدات سیاسی باعث به وجود آمدن ملت‌ها می‌شود.» مثلاً ملت کانادا که از ترکیب دو ملت کاملاً متمایز بوجود آمده است حاصل وحدت سیاسی و جغرافیایی کشور کانادا است.

**عامل اقتصادی:** از جمله عوامل ایجاد همبستگی ملی، عامل اقتصادی است به گونه‌ای که نقش این عامل پررنگ‌تر از سایر عوامل می‌باشد. زیرا در بسیاری از موارد مشاهده شده است که افراد از جهات گوناگون مثل زبان، فرهنگ، نژاد و مذهب از یکدیگر متفاوت بودند ولی از نظر اقتصادی دارای هدفی مشترک و بر اثر همکاری برای نیل به این هدف به تدریج در همدیگر ممزوج و بانی یک کشور مستقل گردیده‌اند. کشور سوئیس از جمله این کشورهاست. (یوردشاهیان، ۱۳۸۰: ۱۶)

**مدل همانند سازی:** از آغاز این مفهوم در علوم طبیعی و به معنای جذب و هضم مواد در بدن به کار برده می‌شد. ولی بعدها در جامعه‌شناسی به معنای فرآیند پذیرش ارزش‌ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط اقوام و گروه‌های از جامعه به ترتیبی که در بطن گروه برتر جذب و هضم شوند به کار رفته است. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۴۴)

**حمایت نهادی:** سلطه قومی از دلایل عمده بروز خشونت‌های قومی در عرصه دولت و ملت‌هاست. سلطه قومی به معنای تسلط یک گروه قومی بر قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی یک جامعه است. این وضعیت به طور خودکار وابستگی گروه‌های اقلیتی و دیگر گروه‌ها را در پی دارد که اغلب پس از کسب آگاهی از این رویه به ایجاد نارضایتی و بروز خشونت و ناآرامی می‌انجامد. سلطه قومی گاه به شکل در اختیار گرفتن منابع کلیدی قدرت مثل پست‌های رده بالای سیاسی و نظامی و منابع انحصاری قدرت جلوه می‌کند.

روبارویی گروه‌های مختلف اجتماعی و قومی وقتی گریز ناپذیر می‌شود که هر یک از گروه‌های قومی خود را در وضعیت ناعادلانه ببینند. این تصور ذهنی یا عینی در حوزه‌های مختلف اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی امکان پذیر است.

در کسب قدرت سیاسی و اشغال رده‌های بالای حکومتی و درجات کلیدی نظامی در دسترسی به امکانات رفاهی، بهداشتی و اقتصادی در نشان و منزلت اجتماعی در حفظ زبان، گویش، پوشش، آداب و رسوم، مناسک، ارزش‌ها و نهادهای فرهنگی و... درگیری خشونت آمیز را اجتناب ناپذیر می‌کند. در این قطب بندی، فقدان (یا تصور فقدان) کانال‌های قانونی، سیاسی مسالمت آمیزند (همان منبع).

**هم‌گرایی در مرزهای همجوار:** وجود یک قوم در دو طرف مرز، می‌تواند هر کدام از آنها را تشویق به تحریکاتی جهت تشکیل یک حکومت خودمختار کند. اگر علقه قومی نسبت به وطنی که در آن زندگی می‌کند، کم شود و یا زیر سؤال برود، و علقه و احساس نسبت به قوم خود ارجحیت یابد، قوم‌گرایی اساس تحرکات جهت دست‌یابی به یک حکومت واحد، خواهد بود. (خندق آبادی، ۱۳۷۲: ۲۱۹)

کلیه جنبش‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت، در زمانی رخ داد که ایران یا درگیر جنگ با جهان خارج (دو جنگ جهانی) و یا مشغول درگیری‌های داخلی (انقلاب اسلامی ایران) بوده است و این طبیعی است که در صورت ضعف دولت مرکزی، استان‌ها و ایالاتی که خصوصاً فاصله بیشتری با مرکز دارند، در صورت داشتن زمینه، سر به شورش بزنند (شیخاوندی، ۱۳۶۹: ۲۲۰).

### روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق این مطالعه، از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه‌های گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه دانشجویان در حال تحصیل مصوب ساکن در استان‌های مرکزی تشکیل می‌دهند که تعداد آنها ۹۸۹ نفر است که از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۶۵ نفر به عنوان نمونه آماری به روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار



گرفتند. ابزار گردآوری داده‌های این تحقیق، پرسش‌نامه محقق ساخته است که سنجش پایایی ابزار تحقیق، یکی از رایج‌ترین و ساده‌ترین شیوه‌های محاسبه پایایی، محاسبه ضریب آلفای کرونباخ است. این روش به عنوان یکی از ضرایب پایایی با قابلیت اعتماد شناخته می‌شود. با توجه به ضریب آلفای کرونباخ  $0/81$ ، نشان می‌دهد که همبستگی درونی متغیرها زیاد است. همچنین برای سنجش روایی تحقیق، از نظر اساتید گروه علوم اجتماعی دانشگاه علوم انتظامی استفاده شده و نتایج اظهار نظر آن‌ها روایی متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

### یافته‌های تحقیق

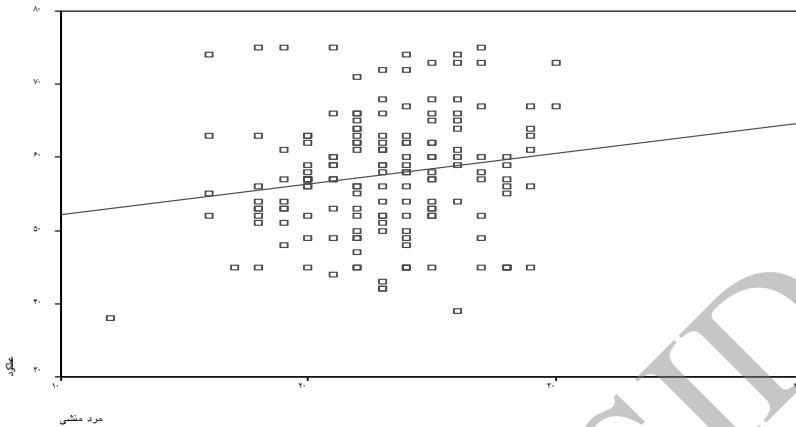
#### جدول شماره ۱: نقش قوم‌گرایی در ناآرامی‌های اجتماعی

تعداد	سطح معناداری	دامنه	آماره همبستگی
۱۶۵	$0/014$	$0/194$	پیرسون

برای بررسی همبستگی بین دو متغیر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. برابر جدول فوق دامنه این همبستگی برابر با  $0/194$  می‌باشد. همچنین از آنجایی که سطح معناداری برابر با  $0/014$  می‌باشد و عدد مورد نظر از  $0/05$  کوچک تر است. بنابراین می‌توان عنوان کرد که بین قوم‌گرایی و ناآرامی‌های اجتماعی همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد که نشان می‌دهد، قوم‌گرایی در شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.

#### جدول شماره ۲: نقش احساس محرومیت قومی در ناآرامی‌های اجتماعی

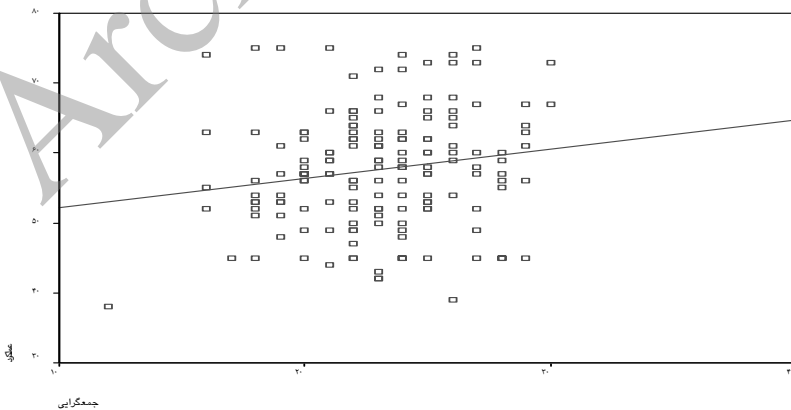
تعداد	سطح معناداری	دامنه	آماره همبستگی
۱۶۵	$0/001$	$0/230$	پیرسون



**نمودار شماره ۱: پراکنش همبستگی احساس محرومیت قومی و ناآرامی‌های اجتماعی**  
 با توجه به جدول فوق دامنه این همبستگی برابر با  $0/230$  می‌باشد. از آنجایی که سطح معناداری برابر با  $0/001$  می‌باشد و عدد مورد نظر از  $0/05$  کوچک‌تر می‌باشد بنابراین می‌توان عنوان نمود که فرضیه اصلی محقق در خصوص همبستگی بین محرومیت قومی و ناآرامی‌های اجتماعی وجود داشته و فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

**جدول شماره ۳: نقش هم‌گرایی قومی با مرزهای مجاور و ناآرامی‌های اجتماعی**

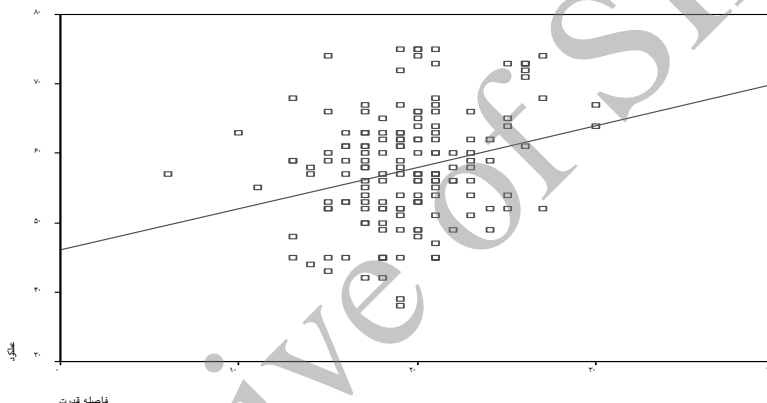
تعداد	سطح معناداری	دامنه	آماره همبستگی
۱۶۵	$0/035$	$0/167$	پیرسون



**نمودار شماره ۲:** پراکنش همبستگی هم‌گرایی قومی با مرزهای مجاور با ناآرامی‌های اجتماعی دامنه این همبستگی برابر با ۰/۱۶۷ می‌باشد. از آنجایی که سطح معناداری برابر با ۰/۰۳۵ می‌باشد و عدد مورد نظر از ۰/۰۵ کوچک‌تر است. از این رو می‌توان عنوان نمود که فرضیه دوم فرعی در خصوص همبستگی بین هم‌گرایی قومی با مرزهای مجاور با ناآرامی‌های اجتماعی وجود داشته و فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

**جدول شماره ۴: نقش درون و برون گروه بودن اقوام با ناآرامی‌های اجتماعی**

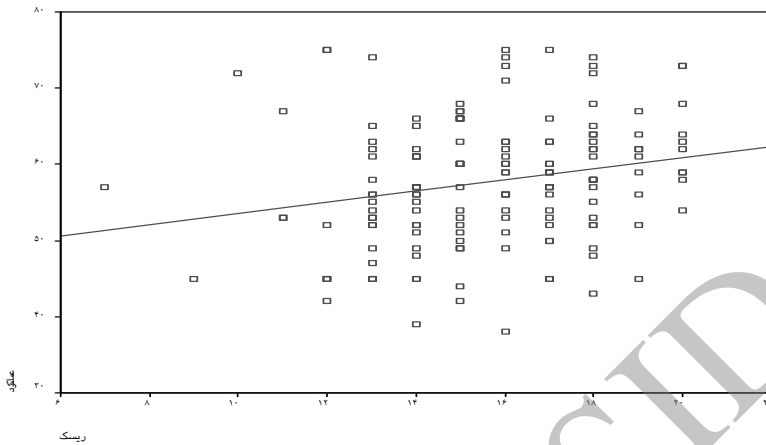
آماره همبستگی	دامنه	سطح معناداری	تعداد
پیرسون	۰/۲۶۵	۰/۰۰۱	۱۶۵



**نمودار شماره ۳:** پراکنش همبستگی درون و برون گروه بودن اقوام با ناآرامی‌های اجتماعی با توجه به جدول فوق دامنه این همبستگی برابر با ۰/۲۶۵ می‌باشد. از آنجایی که سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ می‌باشد و عدد مورد نظر از ۰/۰۵ کوچک‌تر است. بنابراین می‌توان عنوان نمود که فرضیه سوم فرعی در خصوص همبستگی بین درون گروه و برون گروه بودن اقوام با ناآرامی‌های اجتماعی وجود داشته و فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

**جدول شماره ۵: نقش حمایت نهادی از اقوام با ناآرامی‌های قومی**

آماره همبستگی	دامنه	سطح معناداری	تعداد
پیرسون	۰/۲۱۹	۰/۰۰۵	۱۶۵



#### نمودار شماره ۴: پراکنش همبستگی بین حمایت نهادی از اقوام با ناآرامی‌های قومی

با توجه به جدول فوق دامنه این همبستگی برابر با  $0/219$  می‌باشد. از آنجایی که سطح معناداری برابر با  $0/005$  می‌باشد و عدد مورد نظر از  $0/05$  کوچک‌تر می‌باشد بنابراین می‌توان عنوان نمود که فرضیه چهارم فرعی در خصوص همبستگی بین حمایت نهادی از اقوام با ناآرامی‌های قومی وجود داشته و فرضیه مورد نظر تأیید می‌گردد.

#### نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، بررسی ارتباط بین قوم گرایی در توسعه بحران‌های اجتماعی می‌باشد. با توجه به هدف فوق، این پژوهش سعی دارد تا با بهره‌گیری از دیدگاه‌های دانشجویان ساکن در مناطق مرزی، عوامل اصلی برانگیخته شدن حساسیت‌های قومی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و از تشدید بحران واگرایی قومی در آینده پیشگیری شود.

بدین منظور، ابتدا مؤلفه‌های تشریح کننده هر یک از عوامل بروز بحران‌های قومی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته مورد سنجش قرار گرفته و پاسخ هر سؤال پژوهشی استخراج و با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل آماری (توصیفی،

استنباطی) مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته‌های این تجزیه و تحلیل به تفکیک هر یک از فرضیه‌های پژوهشی به شرح زیر می‌باشد:

- بین احساس محرومیت قومی و ایجاد بحران رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به سطح معناداری آزمون  $p=0/001$  ملاحظه می‌شود که چون زیر  $0/05$  است، پس معنادار است و میزان همبستگی  $0/230$  بین این دو وجود دارد. بنابراین بین احساس محرومیت قومی و ایجاد بحران رابطه معناداری وجود دارد. افزایش عمومی و فراگیر این احساس در بین توده‌های قومی ایران، زمینه مهمی در وقوع سستیزه‌های قومی ایران در بعد از انقلاب بوده است. تجربه بروز چالش‌های قومی در میان کردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها، ترک‌ها و ترکمن‌ها که هر کدام به وجهی با این احساس دم ساز بوده و از فرصت‌ها و شرایط بیشتر و بهتری برای رفع آن برخوردار بوده اند

بین هم‌گرایی قومی با مرزهای مجاور و ایجاد بحران رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه هر دو متغیر در سطح فاصله ای می باشد و سطح معناداری آزمون  $p=0/035$  و مقدار  $r=0/167$  نشان دهنده این است که بین هم‌گرایی قومی با مرزهای مجاور همبستگی وجود دارد.

بین درون گروه و برون گروه بودن اقوام و ایجاد بحران رابطه معناداری وجود دارد.

ملاحظه می گردد که سطح معناداری آزمون  $p=0/001$  با مقدار  $r=0/265$  معنادار می باشد. بنابراین بین درون گروه و برون گروه بودن اقوام و ایجاد بحران‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. هر چه احساس هویت و معاشرت‌های درون گروهی تقویت شود، پیش داوری افراد نسبت به برون گروه‌ها نیز افزایش می‌یابد. در این معنا، غرور و افتخارات قومی می‌تواند خود، سبب تقویت تعصبات قومی شود.

هماهنگی قومی و گروهی مبنایی برای ایجادکنش سیاسی یک قوم علیه قوم دیگر فراهم می‌آورد. حمایت نهادی از اقوام با ایجاد بحران‌های اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

سطح معنی داری آزمون  $P=0/005$  می باشد که چون زیر  $0/05$  می باشد، فرضیه قبول می شود زیرا مقدار  $r=0/219$  می باشد. در واگذاری مسئولیت‌های سیاسی، اجرایی در سطح استان‌های مرزی، لازم است ضمن لحاظ نمودن تخصص،

تعهد و توانایی، رفتار عادلانه اعمال شود. به نحوی که احساس تبعیض از طرف گروه حاکم بر سایر گروه‌ها متصور نشود. گروه‌های کسب کننده موقعیت ممتاز در رقابت بر سر پاداش‌های جدید، می‌کوشند مرز گروه‌های قومی را تقویت کنند تا بدین وسیله رویارویی گروه‌های قومی را تشدید نمایند.

**جدول شماره ۶: نتایج کلی فرضیات**

آزمون پیرسون	P<0/05	سطح معناداری	فرضیه
۰/۱۹۴	تائید	۰/۰۱۴	قوم گرایی و ناآرامی‌های اجتماعی
۰/۲۳۰	تائید	۰/۰۰۱	احساس محرومیت قومی
۰/۱۶۷	تائید	۰/۰۳۵	هم‌گرایی قومی با مرزهای مجاور
۰/۲۶۵	تائید	۰/۰۰۱	درون گروه و برون گروه بودن اقوام
۰/۲۱۹	تائید	۰/۰۰۵	حمایت نهادی از اقوام

همان‌گونه که در جدول مشخص شده است تمامی فرضیه‌ها مورد تائید واقع شده اند اما بیشترین رابطه با ناآرامی‌های اجتماعی برابر سطوح معناداری به دست آمده به درون گروه و برون گروه بودن اقوام و احساس محرومیت قومی مربوط است که از شدت معناداری بیشتری نسبت به سایر ابعاد بر ناآرامی‌های اجتماعی برخوردارند. بین قوم گرایی و ناآرامی‌های اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

سطح معنی داری آزمون  $P=0/014$  و  $r=0/194$  همبستگی مستقیم و مناسبی بین قومیت و ناآرامی‌های اجتماعی وجود دارد. ساخت نابرابر اجتماعی حاکم بر جامعه ایران دوران قبل از انقلاب که با تسلط ساختاری خود مانع از دست یابی برابر توده‌های قومی به امکانات منزلتی چون ثروت، قدرت، و حیثیت سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شد.

### پیشنهادها

۱. تعارض ایران با سنخ نظام بین الملل به ویژه ضدیت با مواضع و سیاست‌های سلطه گرانه شرق و غرب موجب ارائه کمک‌های مادی و معنوی ابرقدرت‌ها به گروه‌های

- قومی مخالف و بهره‌گیری از برخی قومیت‌ها می‌باشد. این قبیل اقدامات در تصمیم‌های مسئولین باید مد نظر قرار گیرد.
۲. دقت در توزیع امکانات مادی در سطح استان‌ها.
۳. بهره‌گیری از ابزار تبلیغاتی در راستای هم‌گرایی با حکومت مرکزی.
۴. حمایت به موقع از اقوام و پرهیز از بی‌عدالتی.
۵. رفع منازعات قومی با بهره‌گیری از عملیات روانی مستمر.

### منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۳). قوم‌شناسی سیاسی ایران، سخنرانی در دانشگاه تهران، تهران: خبرگزاری میراث فرهنگی.
- احمدی، حمید (۱۳۷۹). قومیت و ملی‌گرایی در ایران، تهران: نشر نی.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۷). قومیت و امنیت، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- (۱۳۷۴). «در جستجوی مفهوم سیاست‌های قومی»، ترجمه شراره حسامی، جامعه سالم، شماره ۲۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). «ظرفیت طبیعی امنیت». تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۵-۶.
- برکویتز، لئونارد (۱۳۵۸). روانشناسی اجتماعی، ترجمه محمدحسین فرجاد و عباس محمدی اصل، تهران: سحاب کتاب.
- بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۸۲). «شأن قومیت و ناسیونالیسم قومی در مطالعات امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره سوم.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی.
- حق‌گوی، احسن (۱۳۸۴). «قوم‌گرایی و نسبی‌گرایی فرهنگی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران. حق‌پناه، جعفر، ۱۳۸۱، مراکز موثر در تدوین سیاست قومی کشور، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- خندق آبادی، مجید (۱۳۷۲). « قومیت و جنبش‌های اجتماعی در تاریخ معاصر ایران»، استاد راهنما سیدامامی، کاووس. پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- صالحی امیری، رضا (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- شیخاوندی، داور. (۱۳۶۹). زایش و خیزش ملت، تهران، نشر ققنوس.
- کوئن، بروس، (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴). «گفتارهایی در مورد زبانو هویت»، تهران؛ فصلنامه فرهنگی واجتماعی.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۶). ناهمگونی جمعیتی و توسعه ملی در ایران، (لا تأکید بر ناهمگونی قومی) تهران؛ مؤسسه مطالعات ملی.
- (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- (۱۳۸۲). قومیتها و نقش آن در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- (۱۳۷۸). زمینه‌های بروز بحرانهای قومی در ایرن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: واحد علوم تحقیقات.
- یوردشاهیان، اسماعیل (۱۳۸۰) تبارشناسی قومی و حیات ملی، انتشارات فرزانه روز.

- Anthony D. Smith, "the Nation: Invented, imagined, Reconstructed", Millennium, 20 (1999).
- Benedict Anderson, Imagined eommunities, London, 1998.
- Brass, Paul. "Ethnicity and Nationalism: theory and Comparison (London: Sage (1998),
- Joan Nagel and Susan Ozark, (1982), Ethnic mobilization in new and old states, 39no. Z: 130
- Edwas Shilev , (1975 ) , Primordial , P ersonal , Sacred , and civilties , British Journal Of Sociology ,8: 131
- Hechter, Michel, "Theories of Ethnic Relation" New York: 1998.
- Reed Coughlan, "Ethnicity and the state: Five Pers Pectives", Choice (November 1995): 414.PP 15-16.